



اصفی تصریح کرد: «تنها زمانی می‌شود به حرف آمریکا اعتماد کرد که آمریکا رویه خود را اصلاح و حسن نیت خود را به معنای واقعی ثابت کند. در حال حاضر معنای مذاکره این می‌شود که ایران زیر بار فشار و تهدید و مشکلات پای میز مذاکره آمده است. مذاکره وقتی می‌تواند مطرح شود که امیدی در جهت منافع ملی وجود داشته باشد و در حال حاضر هیچ قرینه و شاهدی مبنی بر اینکه مذاکره در راستای منافع ملی باشد، وجود ندارد. آنکه به دنبال مذاکره است و به آن نیاز دارد دولت آمریکا است و باید نشان دهد از مذاکره می‌خواهد به یک نتیجه مرضی‌الطرفین برسد نه اینکه سیاست‌های خود را اعمال و تحمیل کند! لذا باید ابتدا سیاست‌های غلط خود را اصلاح کند. ترامپ نشان داده که از هیچ‌یک از سیاست‌های غلط خود عدول نکرده است و همچنان می‌خواهد رویه خود را ادامه دهد.»

بعدی این است که ترامپ خیلی وقت ندارد و ایام انتخابات آمریکا نزدیک است. برخی به اشتباه فکر می‌کنند جمهوری اسلامی فرصت ندارد ولی این ترامپ است که فرصتی ندارد. در عرصه بین‌الملل و سیاست خارجی ترامپ تقریباً هیچ دستاوردی نداشته است. یکی از طرفداران سیاست‌های آمریکا حتی کشور نیست و غصبی است و دیگری هم سعودی است و غیر از رژیم صهیونیستی و عربستان، تنها چند کشور خرد منطقه حامیان آمریکا هستند که اصلاً محلی از اعراب ندارند. با توجه به نزدیک بودن ایام انتخابات در آمریکا ترامپ به یک برگ برنده نیاز دارد. بهترین برگ ایستاده‌اند و فشارها را تحمل می‌کنند. این یک واقعیت است که هر چیزی از جمله تحریم‌ها به ضد خود تبدیل می‌شود و از این جهت تحریم علیه ایران نیز بی اثر شده است.

می‌گویند: «file is Close!»، یعنی «پرونده بسته شد!» منظورشان هم این است که حالا ما این کار را کردیم دیگر تمام شد، شما واکنشی نداشته باشید و بیایید مذاکره کنید! این رویه حتی به قبل از زمان بوش نیز بازمی‌گردد. اصفی تأکید کرد: «اقدامات ترامپ هم همان روش و سیاست قدیمی آمریکا است. در حال حاضر ترامپ با توجه به اینکه اقداماتش علیه ایران بی اثر بوده، ناامید شده است؛ فشارهای اقتصادی موثر نبوده، فروش نفت ایران به صفر نرسیده، به‌رغم تصور غلطی که آمریکا داشت مردم پشت نظام و ارکان حکومت ایستاده‌اند و فشارها را تحمل می‌کنند. این یک واقعیت است که هر چیزی از جمله تحریم‌ها به ضد خود تبدیل می‌شود و از این جهت تحریم علیه ایران نیز بی اثر شده است.

سفیر اسبق ایران در فرانسه یادآور شد: «نکته مهم

حمیدرضا آصفی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

ساده‌انگاری است که تغییر ادبیات ترامپ را از روی حسن نیت فرض کنیم

هیچ قرینه‌ای مبنی بر اینکه مذاکره در راستای منافع ملی باشد وجود ندارد

سال گذشته بود که جان بولتون، مشاور امنیت ملی کاخ سفید به نمایندگی از دولت آمریکا از طرح‌شان علیه ایران با عنوان «تابستان داغ» خبر داد. طرحی که بر اساس آن با خروج آمریکا از برجام فشارها و تحریم‌های همه‌جانبه علیه ایران برای براندازی نظام جمهوری اسلامی اعمال می‌شد. دولت آمریکا ابایی نداشت که بگوید از تمام ظرفیت خود استفاده خواهد کرد تا ایران جشن ۴۰ سالگی نظام خود را نگیرد. این اظهارات که عملیاتی نیز شد تا آنجا پیش رفت که مشاور ترامپ (بولتون) در جمع	حاجیه موحیدین روزنامه‌نگار
---	--------------------------------------

رو به نظر خیلی نباید به بازگشت آمریکا به برجام اصرار کنیم. بر همین اساس رویکرد ما با دولت ترامپ باید این باشد که بر حقوق خود از جمله لغو کامل تحریم‌ها تأکید کنیم؛ حتی حضور و بازگشت آمریکا به برجام می‌تواند برای ما مشکل‌زا باشد. این وظیفه اروپا است که منافع ما را از برجام تأمین کند. وی با اشاره به اقدامات گذشته دور و نزدیک آمریکا علیه ایران خاطرنشان کرد: «اعمال تحریم روی فلزات و معادن ایران و عدم تمدید لغو تحریم‌ها برای همین چند وقت اخیر است و ترامپ باید نسبت به این عملکرد پاسخگو باشد. آنهایی که با دیپلماسی آمریکا آشنایی دارند، می‌دانند که آمریکایی‌ها از گذشته سیاستی داشتند و دارند به این ترتیب که یک اقدام ایدایی از جمله تحریم، حمله نظامی یا هر اقدام سیاسی، نظامی و اقتصادی دیگری علیه یک کشور انجام می‌دهند بعد به اصطلاح خودشان

که می‌خواهد جمهوری اسلامی ایران تجهیزات هسته‌ای نداشته باشد. در یک دید اولیه و نگاه سطحی و بدون بررسی سوابق همه این اظهارات مثبت به نظر می‌آید ولی واقعیت چیز دیگری است. آقای ترامپ تحریم‌های گسترده را علیه ایران اعمال کرده و باعث شده است مردم ما حتی در زمینه‌هایی مانند دارو دچار مشکل شوند، روابط تجاری آزاد ایران با دیگر کشورها توسط آمریکا سد شده است و در حال حاضر بدون اینکه اشاره‌ای به اقدامات ناشایست خود داشته باشد از مذاکره صحبت می‌کند. از این رو به نظر ساده‌انگاری است اگر این ادبیات ترامپ را از روی حسن نیت فرض کنیم.» سخنگوی اسبق وزارت امور خارجه با اشاره به خروج آمریکا از برجام تأکید کرد: «برای جمهوری اسلامی برجام وسیله‌ای بود برای لغو تحریم‌ها و عادی شدن روابط جمهوری اسلامی و برای ما هدف نبود. از این

در همین راستا حمیدرضا آصفی، سخنگوی وزارت امور خارجه دولت اصلاحات به «فرهیختگان» گفت: «اظهارات اخیر ترامپ در نگاه اولیه و ظاهر، نسبت به قبل حاوی نکات متفاوتی است. در این اظهارات چند اعتراف و اقرار هست؛ از جمله اعتراف به اینکه ملت ایران ملت بزرگی است. به لحاظ اقتصادی ایران کشوری توانمند است. ایران توانمندی ایفای نقش بزرگ در روابط بین‌الملل دارد و ... این آقای ترامپ همان کسی است که چند روز پیش حتی ملت ایران را با صفات ناشایستی مورد خطاب قرار داده بود. حالا رئیس‌جمهور آمریکا ناامید از اینکه بتواند با ایران باب گفت‌وگو و مذاکره را باز کند به سایر کشورها متوسل شده که آخرین آنها کشور ژاپن است.»

اصفی افزود: «ترامپ باز بر مذاکره تأکید کرده و البته ۱۱ شرط پمپئو را کنار گذاشته و گفته است

نگاه

علیرضا فقیهی‌راد

روزنامه‌نگار

دونالد ترامپ طی دو سال گذشته با تغییرات سریع و وسیع در تیم امنیت ملی و سیاست خارجی آمریکا جمعی کاملاً همسوس با سیاست‌های خود تدارک دید؛ مایک پمپئو (رئیس سابق سازمان سیا) در قامت وزیر امور خارجه، جان بولتون مشاور امنیت ملی و جینا هاسپل رئیس سازمان سیا همراه با پاتریک شاناهان در سرپرستی وزارت دفاع با هدایت ترامپ در نقش رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا؛ یعنی تیمی از تندروترین جمهوری‌خواهان که سابقه هر شرارتی از حمله به عراق و مدیریت شکنجه‌گاه‌های مخفی آمریکا تا توصیه جان بولتون به بمباران ایران را در سابقه خود دارند. اما مسأله‌ای که این روزها در افکار عمومی توسط کاسبان ترس‌فروشی در داخل هم‌صدا با فاکس‌نیوز مطرح می‌شود تغییر اساسی راهبرد دولت ترامپ نسبت به دولت اوباما در مواجهه با ایران و احتمال خصلت خطرناک‌تر آن است که لاجرم باید تن به سازش و مذاکره داد و بر سر نقاط اقتدارآفرین جمهوری اسلامی در حوزه‌های موشکی و قدرت منطقه‌ای معامله کرد. اما به‌راستی این گزاره چقدر مطابق با واقع است و اصولاً آیا در راهبردهای آمریکا علیه ایران در دوره ترامپ چنین چیزی وجود دارد؟

بررسی اسناد معتبر و بالادستی مانند سند امنیت ملی آمریکا، گزارش جامعه اطلاعاتی آمریکا و اظهارات رسمی مقامات ارشد آمریکا چه در دوران اوبامای دموکرات و چه ترامپ به ظاهر دنیانه جمهوری‌خواه نشان می‌دهد عبارت «همه گزینه‌ها روی میز است»، صرفاً بازدارندگی تهدید و اهرمی جهت فشار برای تغییر رفتار، امتیازگیری از طرف مقابل (ایران) و پای میز مذاکره کشاندن است نه گزینه‌ای واقعی که در دستور کار عملیاتی قرار داشته باشد. اوباما که در جایی از گزینه‌های روی میز سخن می‌گفت، در گفت‌وگوی خود با کان ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونیستی که بعد از توافق برجام انجام شد، در پاسخ به سوالات چالشی مجری مبنی بر اینکه چرا به جای توافق با ایران گزینه نظامی را دنبال نکرده‌است، تأکید می‌کند: «هیچ گزینه نظامی واقعی برای متوقف کردن ایران وجود ندارد.» (There Is No Military Option To Stop Iran).

جان کری نه تنها گزینه نظامی را موثر نمی‌دانست، بلکه نبود توافق و مذاکره مستقیم را موجب فروپاشی نظام تحریم‌ها می‌دانست. جان کری بعد از توافق ژنو می‌گوید: «اگر با ایران مذاکره و بر سر موضوع هسته‌ای توافق نمی‌کردیم ائتلاف ما علیه ایران کاملاً تضعیف و رژیم فعلی تحریم‌های ایران نیز شکسته می‌شد!» ترامپ هم از زمان تبلیغات انتخاباتی خود به هزینه‌های هنگفتی که آمریکا در منطقه خاورمیانه کرده و در برابر آن نه تنها پیروزی کسب نکرده بلکه بدهی‌های فراوانی به بار آورده است، انتقادات جسدی داشته و محور سیاست خارجی خود را American first یا همان «اول آمریکا» قرار داد. ترامپ

همان ابتدای ریاست جمهوری اش در ۱۸ بهمن ۹۵ در گفت‌وگو با شبکه فاکس نیوز در پاسخ به سوالی راجع به تحرکات نظامی علیه ایران رسماً تأکید کرد: «من هرگز درباره اقدامات نظامی حرف نمی‌زنم.» در این مدت اخیر هم برخلاف فضا سازی رسانه‌ای کاسبان تسلیم در داخل و جنگ روانی آمریکا برای ایران هراسی در منطقه، مکرراً مقامات آمریکا از ترامپ تأیید و حمایت‌ها و حتی جان بولتون، گزاره جنگ نظامی علیه ایران را رد کرده‌اند. بهترین روش برای روشن شدن ابعاد این فضا سازی رسانه‌ای پیرامون جنگ نظامی هم بررسی اظهارات علنی و اقدامات عملی آمریکایی‌هاست. ترامپ در مصاحبه‌ای که یک هفته پیش با فاکس نیوز داشته و ۳۰ اردیبهشت ۹۸ منتشر شد- به صراحت می‌گوید: «با وجود تمام چیزهایی که در حال رخ دادن است، من کسی نیستم که اعتقادی (به جنگ) داشته باشم. می‌دانید، من کسی نیستم که خواستار جنگ باشم زیرا جنگ به اقتصاد ضربه می‌زند، جنگ مهم‌تر از همه، به کشته شدن مردم منجر می‌شود. اگر من بخواهم با ایران وارد جنگ شوم آن جنگ اقتصادی خواهد بود.»

حتی ترامپ اخیراً پس از انتشار خبری توسط نیویورک تایمز مبنی بر اعزام ۱۲۰ هزار نیروی نظامی آمریکایی به منطقه غرب آسیا آن را جعلی خواند و تکذیبش کرد. او در اظهاراتی استراتژی خود را نمایان کرد: «کاری که آنها (ایران) باید بکنند این است که با من تماس بگیرند (پای میز مذاکره) بنشینند. می‌توانیم توافق کنیم و به یک توافق منصفانه دست پیدا کنیم... آنها باید تماس بگیرند و اگر این کار را انجام دهند ما آماده گفت‌وگو با آنها هستیم.»

وزارت امور خارجه آمریکا در بیانیه سالگرد خروج از برجام مجدداً بدون کوچک‌ترین اشاره به مسأله جنگ نظامی، هدف از فشارهای حداکثری را این گونه توصیف می‌کند: «ما آنقدر به اعمال حداکثر فشار بر ایران ادامه خواهیم داد تا رهبران رفتار ویرانگرانه‌شان را تغییر دهند، به حقوق مردم ایران احترام بگذارند و به میز مذاکره بازگردند.»

مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا نیز در ۲۲ اردیبهشت دقیقاً همان راهبرد را در مصاحبه با شبکه «سی‌ان‌بی‌سی» تکرار می‌کند و می‌گوید: «ما نمی‌خواهیم محاسبات اشتباه داشته باشیم، هدف ما جنگ نیست، هدف ما (ایجاد) تغییر در رفتار حاکمیت ایران است.»

۱۹ اردیبهشت نیز در تئوییتی دقیقاً همان راهبرد ترامپ و پمپئو را تکرار می‌کند و می‌نویسد: «از زمانی که سرن ایران تصمیم به تغییر رفتار مخرب، احترام گذاشتن به حقوق مردم ایران و بازگشت به میز مذاکره نگیرند، ایالات متحده به فشار حداکثری خود ادامه خواهد داد.»

«برای جلوگیری از بمب ایران، ایران را بمباران کنید.» توافق کنیم و به یک توافق منصفانه دست پیدا کنیم... آنها باید تماس بگیرند و اگر این کار را انجام دهند ما آماده گفت‌وگو با آنها هستیم.»

وزارت امور خارجه آمریکا در بیانیه سالگرد خروج از برجام مجدداً بدون کوچک‌ترین اشاره به مسأله جنگ نظامی، هدف از فشارهای حداکثری را این گونه توصیف می‌کند: «ما آنقدر به اعمال حداکثر فشار بر ایران ادامه خواهیم داد تا رهبران رفتار ویرانگرانه‌شان را تغییر دهند، به حقوق مردم ایران احترام بگذارند و به میز مذاکره بازگردند.»

۱۹ اردیبهشت نیز در تئوییتی دقیقاً همان راهبرد ترامپ و پمپئو را تکرار می‌کند و می‌نویسد: «از زمانی که سرن ایران تصمیم به تغییر رفتار مخرب، احترام گذاشتن به حقوق مردم ایران و بازگشت به میز مذاکره نگیرند، ایالات متحده به فشار حداکثری خود ادامه خواهد داد.»



سفید مزخرف محض بوده است و پمپئو و بولتون اقدامات بسیار خوبی انجام داده‌اند و از آنها خشمگین نیستم.» در تحلیل چرایی مواضع تند اما هماهنگ بولتون با ترامپ بدون کوچک‌ترین تحلیلی به این قسمت از یادداشت روزنامه «یوس ای تودی» دقت کنید: «این ایده در سراسر دنیا جا افتاده که او در حال هدایت ترامپ به سمت یک درگیری نظامی خطرناک با ایران است. اما کارشناسان امنیتی هم در داخل کاخ سفید و هم در بیرون آن گفته‌اند که درباره نقش بولتون و نفوذ او روی ترامپ، به‌خصوص در مسأله‌ای مانند جنگ علیه ایران مبالغه شده است.»

همچنین مارک دوپویتیو، مدیرعامل لابی ضد ایرانی «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» به عنوان نزدیک‌ترین و موثرترین اندیشکده در دولت ترامپ می‌گوید: «در یک «قص‌ژئوپلیتیک» که با هدف ارسال پیامی سرسختانه به ایران طراحی شده، جان بولتون صرفاً در حال ایفای نقش خودش است. اگر شمایک ستیزه‌جوی تمام‌عیار می‌خواهید بولتون از بسیاری جهات، اصل همان چیزی است که دنبالش می‌گردید. این کار (به خدمت گرفتن بولتون) از منظر عملیات روانی مفید است. کاخ سفید تمهیداتصمیم‌برای ارسال بمب‌افکن‌های بی‌۵۲ در منطقه نگران هستند برای همین مایک پمپئو به بغداد آمد تا اطمینان دهد آمریکا در صدد اقدام نظامی نیست. «هشدارهای امنیتی آمریکا در خلیج فارس و عراق و خارج کردن نیروهای غیر ضروری خود از عراق و بلافاصله هدف قرار گرفتن سفارت آمریکا در آن کشور نیز در ادامه همین ایران‌هراسی و جنگ روانی است

این سیاست یک کارزار کاملاً هماهنگ است که دارای یک وجه روابط عمومی، یک وجه موضع‌گیری نظامی و یک وجه اقتصادی مالی است. بولتون و پمپئو «پلس‌های بدی» هستند که باعث عصبانیت ایران و سایر کشورها از مقاصد ترامپ می‌شوند.»

از طرفی تمامی مقامات نظامی و نهادهای اطلاعاتی آمریکا نیز گزینه جنگ نظامی را قاطعانه رد کرده‌اند. جیم مالدیو، فرمانده ناوگان پنجم نیروی دریایی تروریست آمریکا می‌گوید: «ارتش آمریکا به دنبال جنگ با ایران نیست... من در وضعیت برنامه‌ریزی برای جنگ نیستم و وظیفه چنین کاری را هم ندارم.» بررسی اعزام ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن هم نشان می‌دهد برخلاف فضا سازی رسانه‌ای و ادعاهای بولتون خبر اعزام عادی و طبق برنامه و روتین این ناو یک ماه پیش در بیانیه‌ای در سایت رسمی نیروی دریایی تروریست‌های آمریکا منتشر شده و صرفاً بولتون قصد بهره‌برداری از آن را در جنگ روانی داشته است. همچنین «ایلان گلدن برگ»، مدیر بخش امنیت خاورمیانه در اندیشکده «مرکز امنیت آمریکایی جدید» در تئوییتی در این باره نوشت: «اعزام یک ناوگروه به سسنتکام، اقدام غیر معمولی نیست و احتمالاً اقدامی عادی بوده که از مدت‌ها قبل برنامه آن چیده شده است. ادبیات آتش افروزانه بولتون، غیر معمولی و تحریک‌آمیز است البته حدس من آن است که این موضوع یک فرصتی برای تلاش به منظور ارباب ایرانی‌هاست نه چیزی بیشتر.» یکی از مقامات سستانکل نیروهای مسلح نیز در واکنش به این فضا سازی‌ها اعلام کرد: «ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن در دریای عربی متوقف شده و به خلیج فارس نیامده و سایر واحدهای شناور رزمی‌شان هم خارج شده و خلیج فارس از همیشه خالی‌تر است، لذا ادعای آمریکا که ناوگان فرستاده دروغ است... حرکات آمریکا در منطقه برای حفظ و ایمن سازی واحدهای خود بوده و سایر مطالب عنوان شده از طرف آمریکا «عملیات روانی دشمن» برای تحت‌تأثیر قرار دادن افکار عمومی داخلی و خارجی است.» از طرفی اصولاً برای آغاز یک جنگ نظامی هیچ کشوری ناو خود را نزدیک مرزهای طرف مقابل نمی‌کند تا مستقیماً در تیررس موشک‌ها قرار گیرد.

یکی دیگر از فضا سازی‌های اخیر سفر غیرمنتظره پمپئو به عراق و بازمانی رسانه‌ها از آن به عنوان هشدار به ایران و اعلام به عراق برای جلوگیری از حضور نیروهای مقاومت در جنگ احتمالی میان آمریکا و عراق بود؛ خبری که هرچند در رسانه‌ها بازتاب زیادی داشت اما چندی بعد قالیح الفیاض، مشاور امنیت ملی عراق ابعاد پنهان ماجرا را بیان کرد: «آمریکایی‌ها می‌گویند از واکنش جمهوری اسلامی ایران به اقدامات آمریکا در منطقه نگران هستند برای همین مایک پمپئو به بغداد آمد تا اطمینان دهد آمریکا در صدد اقدام نظامی نیست. «هشدارهای امنیتی آمریکا در خلیج فارس و عراق و خارج کردن نیروهای غیر ضروری خود از عراق و بلافاصله هدف قرار گرفتن سفارت آمریکا در آن کشور نیز در ادامه همین ایران‌هراسی و جنگ روانی است

تا هم فشاری به ایران برای تغییر محاسبات و نتیجه تغییر رفتار باشد و هم هشدار به کشورهای منطقه برای عدم همکاری با ایران. همان‌طور که روشن است گزینه نظامی اهرمی در جهت بازدارندگی، عملیات روانی جهت تغییر رفتار ایران و بازگشت به پای میز مذاکره و همچنین ایران‌هراسی و امنیتی کردن ایران در منطقه است و نه گزینه واقعی و عملیاتی که در این مسأله میان دولت دموکرات اوباما با دولت جمهوری خواه ترامپ و همچنین میان ترامپ و تیم خیالی «B» تفاوتی نیست.

بنابراین دوقطبی کاذب جنگ صلح و جنگ‌هراسی که جریان‌گیرکار داخلی از سال ۹۲ با آن سعی در فریب افکار عمومی را داشته و دستاوردهای هسته‌ای رانیز بدون هیچ دستاوردی معامله کرده، غیر واقعی و همان‌طور که گفته‌شده صرفاً وسیله‌ای برای امتیازگیری بیشتر از طرف مقابل است. به‌نظر می‌رسد بعد از خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌های تعلیق شده و تشدید فشارهای اقتصادی و نتیجه‌نگرفتن آمریکا از این اهرم در تغییر رفتار ایران، آن کشور برای تداوم این راهبرد کلان خود عرصه‌های سیاسی، امنیتی و روانی را جدی‌تر از پیش در دستور کار قرار داده است و در همین راستا می‌توان به تشکیل گروه ویژه اقدام ایران، اجلاس شکست‌خورده لهستان، سرمایه‌گذاری‌های عظیم در حوزه رسانه‌های فارسی‌زبان، تلاش برای تقویت گروه‌های ورشکسته ایوزیسیون، ایجاد اجماع کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس علیه ایران، ایجاد خرابکاری‌های امنیتی و ترور در ایران و نهایتاً ترور رستمی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ایجاد فضای شیخ‌جنگ با مانورهای عملیات روانی اشاره کرد؛ عملیات روانی‌ای که با اقدامات بازوهای داخلی توسط جریان غربگرا و روزنامه‌های زنجیره‌ای تکمیل می‌شود، آنجا که دوگانه جنگ صلح را تیت‌تر می‌کنند با در سمرقاله خود با هراس از جنگ، دولت را به سازش و مذاکره با آمریکا بر سر مسائل موشکی و منطقه‌ای توصیه می‌کنند. و نهایتاً همان‌طور که رهبر معظم انقلاب فرموده‌اند: «شیخ‌جنگ را بزرگ می‌کنند برای اینکه با ملت را بترسانند یا ترسو‌ها را بترسانند؛ چون بالاخره ما یک مشت ترسو هم داریم دیگر اینها را بترسانند؛ بالاخره مسأله شیخ‌جنگ را بزرگ می‌کنند، مطرح می‌کنند؛ یکی این است. یکی هم مسأله مذاکره که بله، ما با ایران حاضریم مذاکره کنیم... آن وقت این هم دیگر از آن بازی‌های پیش‌پا افتاده [است] که یکی‌شان می‌گوید مذاکره بی‌پیش‌شرط، یکی می‌گوید نه، مذاکره باپیش‌شرط! اینها دیگر بازی‌های سیاسی است که واقعاً پیش‌پا افتاده‌است، یعنی ارزش پرداختن به آنها را ندارد. به‌هر حال هم راجع به جنگ، هم راجع به مذاکره صحبت می‌کنند... به‌طور خلاصه در دو کلمه به ملت ایران بگویم: جنگ نخواهد شد و مذاکره نخواهیم کرد؛ این حالا خلاصه حرف بود که بدانید، همه ملت ایران بدانند؛ اما اینها استدلال پشت سرش هست، صرف ادعا نیست، صرف گفتن و آرزو کردن و شعار دادن نیست، استدلال هست.»